

بررسی کیفیت زندگی زناشویی و عوامل اجتماعی اقتصادی اثرگذار بر آن*

Study of The Marital Quality and its Affecting Socio-Economic Factors

F. Modiri, ph.D.

دکتر فاطمه مدیری

Department of Family Studies, National population Studies & Comprehensive Management Institute, Tehran, Iran

گروه مطالعات خانواده، موسسه مطالعات و مدیریت
جامع و تخصصی جمعیت کشور

دریافت مقاله: ۹۶/۷/۱۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۶/۱۱/۲۵

پذیرش مقاله: ۹۷/۷/۱۰

Abstract

The aim of this article is to study the marital quality and the socioeconomic characteristics affecting it. Statistical population of this survey was married people in Tehran. Multi-stage cluster sampling method was applied to collect the sample. The author made questionnaire was used as a research instrument and data analysis was done through Pearson correlation, variance analysis, mean differences and multivariate regression. The results show that positive dimension of marital quality has been reported in 67.5% of respondents from high SES level and in 32.5% from mid and lower SES levels.

چکیده

هدف این مقاله بررسی وضعیت کیفیت زندگی زناشویی و بررسی ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی اثرگذار بر آن می‌باشد. جامعه آماری پیمایش، متأهلین شهر تهران بوده و نمونه‌ها به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده است. ابزار مورد استفاده پرسشنامه محقق ساخته بوده و از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس، تفاوت میانگین و رگرسیون چندگانه استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی در ۶۷/۵ درصد از پاسخگویان در سطح بالا و در ۳۲/۵ درصد از ایشان در سطح متوسط و پایین‌تر گزارش شده است.

*این مقاله مستخرج از طرح مصوب موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان کیفیت زندگی زناشویی و تأثیر آن بر قصد فرزندآوری است. داده‌های مقاله برگرفته از طرح سبک زندگی متأهلین و تعیین‌کننده‌های آن است که توسط نویسنده مقاله و با حمایت مالی معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری اجرا شده است.

Corresponding author: Department of Family Studies, National Population Studies & Comprehensive Management Institute. No.5, 2nd Alley, Pakistan St, Shahid Beheshti Av, Tehran, Iran.
Email: fateme.modiri@psri.ac.ir

نویسنده مسئول: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوم، پلاک ۵، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، گروه مطالعات خانواده.
پست الکترونیکی: fateme.modiri@psri.ac.ir

Negative dimension of marital quality has been reported in 85.3% and 14.7% of respondents from low and high SES level respectively. There are differences in the impact of social and economic factors on positive and negative dimensions of marital quality. Multivariate analysis indicated that among socioeconomic variables, generation and income have had a higher explanation power for marital quality. Since the majority of variation in marital quality remains unexplained, study the other structural, communicational and individual factors seems necessary.

Keywords: Marital Quality, Relationships Between Spouses, Marital Satisfaction, Marital Problems.

بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی در ۸۵/۳ درصد از پاسخگویان در سطح پایین و در ۱۴/۷ درصد از ایشان در سطح متوسط و بالاتر گزارش شده است. در تاثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر ابعاد مثبت و منفی کیفیت زندگی زناشویی تفاوت‌هایی وجود دارد.

نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره نشان داده، نسل و درآمد نسبت به دیگر متغیرهای اقتصادی اجتماعی از قدرت تبیین بالاتری برخوردار بوده است. از آنجا که بخش زیادی از واریانس کیفیت زندگی زناشویی تبیین نشده باقی مانده، بررسی دیگر عوامل ساختاری، ارتباطی و فردی ضرورت دارد.

کلیدواژه‌ها: کیفیت زندگی زناشویی، روابط میان همسران، رضایت زناشویی، مشکلات زناشویی.

مقدمه

با هسته‌ای شدن خانواده، روابط میان فردی و به ویژه کمیت و کیفیت روابط میان زوجین در ابعاد مختلف بیش از پیش مطرح شده و به پیامدهای مثبت و منفی آن توجه بیشتری مبذول شده است. هرچه از عمر خانواده هسته‌ای می‌گذرد، اهمیت این روابط بیشتر می‌شود چراکه در خانواده گسترده، نقش و وظایف همسران از پیش تعیین شده بود، در حالی که در خانواده هسته‌ای وظایف و نقش‌ها به روابط زوجین بستگی دارد. همچنین در ازدواج که تا پیش از این بر اساس مصالح اجتماعی شکل می‌گرفته و به منزله قراردادی مابین دو خانواده بوده، عواطف و احساسات فردی نقش مهمی یافته و شیوه انتخاب همسر که کاملاً در انقیاد خانواده بوده، به انتخاب فرد نیز تسری یافته است. از طرف دیگر نهادهای سنتی که در پایداری خانواده نقش مهمی داشته‌اند، ضعیف‌تر شده و به طور کلی فرد از اهمیت بیشتری برخوردار شده است (زانگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). در حال حاضر تشکیل خانواده در اکثر جوامع مهم است اما چگونگی روابط میان زوجین به طور گسترده‌ای بحث‌انگیز است (آلندورف و گیمایر^۲، ۲۰۱۳؛ راجرز و آمانو^۳، ۲۰۰۰؛ زانگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ آمانو و همکاران^۴، ۲۰۰۳).

اگرچه در خانواده هسته‌ای امکان تجلی صمیمیت و روابط نزدیک فراهم شده اما در عصر حاضر برخی شواهد نشان می‌دهد زوجین در برقراری ارتباط مؤثر رضایتمند با مشکلات و ناهماهنگی‌هایی روبه‌رو هستند و از جمله مفاهیمی که به ارائه تصویری از خانواده کمک می‌کند کیفیت زندگی زناشویی^۵ است که وجود جنبه‌های خوب در زندگی زناشویی و عدم حضور جنبه‌های بد در زندگی زناشویی را نشان می‌دهد. علیرغم تأثیر کیفیت زندگی زناشویی مطلوب بر ابعاد مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی برخی مطالعات

نشان می‌دهد از دهه ۱۹۷۰ کیفیت زندگی زناشویی کاهش یافته است (راجرز و اماتو، ۱۹۹۷؛ شرام و هریس، ۲۰۱۱: ۴۳۷ به نقل از گلن^۶، ۱۹۹۱؛ راجرز و اماتو، ۲۰۰۰)؛ بنابراین رصد کردن کیفیت روابط زوجین از اهمیت خاصی برخوردار است.

کیفیت زندگی زناشویی بعد مهمی از زندگی خانوادگی است که بررسی آن از ابعاد مختلف حائز اهمیت فراوان است. از جمله اینکه رابطه سطوح بالاتر کیفیت زندگی زناشویی با پیامدهای مثبت زیادی از قبیل افسردگی کمتر و احساس سلامت بیشتر در مطالعات مختلف، تأیید شده است. کیفیت زندگی زناشویی نه تنها بر سلامتی و بهزیستی فرد بلکه بر روابط فرد با دیگران اثر دارد و کاهش آن در سطوح وسیع‌تر موجب جدایی همسران شده و پیامدهای منفی اقتصادی حاصل از آن نیز به وجود خواهد آمد (راس و همکاران^۷، ۱۹۹۰؛ آمبرسون و ویلیامز^۸، ۲۰۰۵؛ ویکراما^۹ و همکاران، ۱۹۹۷؛ کاون و کاون^{۱۰}، ۲۰۰۵؛ بیچ و همکاران^{۱۱}، ۱۹۹۴). از طرف دیگر علیرغم اهمیت آن، این واژه، مفهوم‌سازی واحدی ندارد و اندازه‌گیری آن نیز در بسیاری از جوامع مغفول مانده است. نکته مشترک و توافق گسترده‌ای در تعاریف کیفیت زندگی زناشویی وجود دارد که کیفیت زندگی زناشویی به طور خلاصه حضور جنبه‌های خوب زندگی و غیاب جنبه‌های بد زندگی است اما در اینکه جنبه‌های خوب و بد زندگی شامل چه مواردی است توافق وجود ندارد. به عنوان مثال مطالعات نشان داده، خوب و بد در روابط همسران در جوامع مختلف متفاوت است. مثلاً لی و انو^{۱۲} (۲۰۰۸) مطرح کردند که در ژاپن زنی که شغل نداشته باشد و همسرش او را حمایت کند، قابل قبول است اما این رابطه در امریکا، تأیید شده نیست. در عوامل اثرگذار نیز تفاوت‌ها و شباهت‌هایی وجود دارد. در کامرون تعدد زوجات عامل تعیین‌کننده‌ای در رضایت زناشویی است. در چین مشارکت فرد در انتخاب همسر و تأیید والدین بر کیفیت زندگی زناشویی اثرگذار است؛ اما ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی از قبیل تحصیلات و جنسیت در همه جوامع اثرگذار بوده است (آلندورف و گیمایر، ۲۰۱۳: ۲-۳).

همچنین مطالعات انجام شده عمدتاً در کشورهای غربی بوده و در عملیاتی کردن آن و اندازه‌گیری آن چالش‌هایی وجود دارد. سنجش‌های گوناگون این مفهوم باعث شده مقایسه میان یافته‌ها و حصول نتیجه‌گیری‌های متقن مشکل شود (آلندورف و گیمایر، ۲۰۱۳: ۲).

بنابراین سنجش کیفیت زندگی زناشویی، بررسی وضعیت آن و عوامل اقتصادی اجتماعی اثرگذار بر آن در هر جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر این اساس در این مقاله به این سه بخش پرداخته خواهد شد. در ادامه ابتدا به پیشینه مطالعات در چگونگی سنجش کیفیت زندگی زناشویی و عوامل اقتصادی اجتماعی اثرگذار اشاره خواهد شد و سپس سؤالات، اهداف و فرضیه‌های تحقیق مطرح می‌شوند.

آلندورف و گیمایر در چیتوان والی^{۱۳} نپال^{۱۴}، در سنجش کیفیت زندگی زناشویی، پنج بعد رضایت زناشویی، ارتباطات، با هم بودن، اختلاف‌نظرها، مشکلات زناشویی را مطرح کرده‌اند. فاکتورهای مثبت شامل رضایت، ارتباطات، با هم بودن و فاکتورهای منفی شامل مشکلات و عدم توافق‌هاست. ایشان نشان داده‌اند مردان و افراد با تحصیلات بالاتر، سطوح بالاتری از کیفیت زندگی زناشویی را گزارش کرده‌اند. در مقابل طبقه^{۱۵} و اشتغال رابطه‌ای با کیفیت زندگی زناشویی نداشته یا ارتباط اندکی دارند و به طور کلی در این جامعه بخش زیادی از واریانس کیفیت زندگی زناشویی تبیین نشده باقی مانده است (آلندورف و گیمایر، ۲۰۱۳: ۳-۱).

زانگ و همکاران به مفهوم سازی و اعتبار سنجی کیفیت زندگی زناشویی در بیجینگ^{۱۶} چین پرداخته است. در این مطالعه مقیاس کیفیت زندگی زناشویی چینی^{۱۷} به عنوان یک ساختار دوعاملی و چندبعدی شامل نشاط زناشویی^{۱۸}، تعامل زناشویی^{۱۹}، عدم توافق^{۲۰}، مشکل زناشویی^{۲۱} و بی‌ثباتی زناشویی^{۲۲} مفهوم‌سازی شده است (زانگ و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۹۷).

جانسون و همکاران نیز در سنجش کیفیت زندگی زناشویی با استفاده از تحلیل عامل تأییدی دو بعد را نشان داده‌اند. یکی شامل نشاط زناشویی و تعاملات زناشویی و دیگری شامل عدم توافق، مشکلات و ناپایداری زندگی زناشویی. این ابعاد متأثر از اشتغال زنان، مدت‌زمان زناشویی و جنسیت بوده است (جانسون و همکاران، ۱۹۸۶).

شرام و هریس^{۲۳} برای سنجش کیفیت زندگی زناشویی از ۱۶ گویه مشتعل بر شش بعد استفاده کرده‌اند. سه بعد مثبت تعهد به همسر، پیوند مثبت، رضایت زناشویی و سه بعد منفی احتمال طلاق، تعامل منفی و احساس به دام افتادن. شرام و هریس به رابطه میان درآمد، مساعدت دولت و شش بعد کیفیت زندگی زناشویی در ۲۹۵ فرد ازدواج کرده در یوتای^{۲۴} کلمبیا با درآمد زیر ۴۰۰۰۰ دلار پرداخته‌اند. این تحقیق نشان داده درآمد تأثیر عمده بر کنش‌های منفی و احساس به دام افتاده دارد (شرام و هریس، ۲۰۱۱).

هاردی و لوکاس^{۲۵} فاکتورهای درآمد، تحصیلات، ازدواج قبلی، همباشی^{۲۶} قبلی، وجود فرزند در خانه، مدت‌زمان زناشویی، قومیت و سن را به همراه فاکتورهای مثبت و منفی روابط زناشویی در مدل رگرسیونی وارد کرده و از تحقیق خود نتیجه گرفته‌اند فاکتورهای اقتصادی پیشگویی‌کننده مهمی در کیفیت زندگی زناشویی همباش‌ها و متأهلین است (هاردی و لوکاس، ۲۰۰۹).

سایر^{۲۷} با استفاده از داده‌های طولی سه موج نشان داده که آیا تغییر در درآمد نسبی زن، میزان ادراکات زن از عادلانه بودن کارهای خانه و تعارض زناشویی منجر به تغییرات در کیفیت زندگی زناشویی می‌شود؟ یافته‌ها نشان داده درک برابری و تغییر پیشگویی‌کننده‌های قوی‌تری نسبت به درآمد و مقدار مطلق کار شغلی و کار خانه است. زنان با استفاده از منابع اقتصادی بالاتر قادر به چانه‌زنی بیشتر نیستند اما منابع اقتصادی به آن‌ها کمک می‌کند تا از موقعیت‌های نامناسب خارج شوند (سایر، ۲۰۰۶). کلارک و گری^{۲۸} نیز نشان دادند، شاخص‌های ذهنی مانند درک بیشتر کفایت اقتصادی بیش از درآمد، تحصیلات و یا اشتغال با کیفیت زندگی زناشویی مرتبط است (کلارک و گری، ۱۹۹۱).

راجرز به بررسی رابطه بین درآمد زنان و کیفیت زناشویی پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داده، افزایش درآمد زنان با درک زنان و مردان از اختلافات زناشویی رابطه معناداری ندارد. در عوض، افزایش اختلافات زناشویی با افزایش درآمد زنان رابطه معنادار دارد (راجرز، ۱۹۹۹). هکرت، نواک و اسنایدر^{۲۹} نیز به تأثیر درآمد مرد و زن بر انحلال زناشویی پرداختند. ایشان نشان دادند درآمد زن و مرد بر انحلال زناشویی تأثیر معنادار غیرخطی دارد و این تأثیر غیرخطی را ناشی از موقعیت اقتصادی گروه‌های مختلف اجتماعی دانستند (هکرت، نواک و اسنایدر، ۱۹۹۸).

هولتر، آکسین و گیمایر^{۳۰} در مناطق روستایی نپال اثرات متقن تحصیلات بر روابط میان زوجین را نشان دادند. گسترش آموزش با سطوح بالاتری از عشق و سطوح پایین‌تری از تضاد و خشونت همراه بوده است

(هولتر، آکسین و گیمایر، ۲۰۰۴). تأثیر جنسیت و قومیت در مطالعات دیگر نیز گزارش شده است (اماتو و همکاران، ۲۰۰۳؛ اماتو و همکاران، ۲۰۰۳ به نقل از بلاندا و براون^{۳۱}، ۲۰۰۷؛ راجرز و اماتو، ۲۰۰۰). راجرز و اماتو در پاسخ به این سؤال که آیا کیفیت زندگی زناشویی کاهش یافته یا خیر به بررسی دو نسل که در سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۲ ازدواج کرده‌اند، پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌دهد نسل جوان‌تر به طور معناداری تعامل زناشویی مثبت پایین‌تر و تضاد و مشکلات زناشویی بالاتری را گزارش کرده‌اند. افزایش سن زمان ازدواج و تحصیلات بر این کاهش تأثیری نداشته است (راجرز و اماتو، ۱۹۹۷).

مطالعات داخلی اندک و محدود هستند. یوسفی با هدف اعتباریابی مقیاس کیفیت زناشویی، به بررسی فرم تجدیدنظر شده^{۳۲} سه عامل کیفیت زناشویی (توافق، رضایت، انسجام) را در جامعه ایرانی نشان داده است (یوسفی، ۱۳۹۰).

غلامیان و همکاران در مقاله خود با عنوان کیفیت زندگی زناشویی به ترجمه مقاله آیلز^{۳۳} و بیان عوامل اثرگذار از دید او پرداخته و تأثیر سه عامل ارتباطی، ساختاری و فردی را گزارش کرده‌اند (غلامیان و همکاران، ۱۳۸۷). هوشیار و همکاران به مقایسه کیفیت زندگی زناشویی در میان زنان خانه‌دار و شاغل شهر تهران پرداخته‌اند. ایشان نشان دادند، زنان شاغل نسبت به زنان خانه‌دار از کیفیت زندگی زناشویی بالاتری برخوردار هستند (هوشیار و همکاران، ۲۰۱۵).

در حال حاضر خانواده ایرانی بااهمیت‌ترین موضوع مورد توجه ایرانیان است (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۳) و اگرچه از اصلی‌ترین کانون‌های تولید عاطفه، حمایت مالی و نقد اجتماعی است (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۱۵) اما همزمان تغییرات اساسی و بنیادین را در ساختار و ابعاد مختلف خود تجربه کرده و می‌کند و در گذار خود با چالش‌ها و ناهماهنگی‌هایی نیز روبروست (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۹). پژوهش‌های داخلی نوعی دوگانگی را در خانواده ایرانی نشان می‌دهد. برخی بر اهمیت خانواده برای فرد ایرانی و بازتولید ارزش‌های خانوادگی تأکید می‌کنند (آزادارمکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰) و برخی دیگر درجاتی از نابسامانی خانواده را نشان می‌دهند. آمار روزافزون طلاق، وجود خانواده‌های اضطراری، پدید آمدن عناصر نوظهور از قبیل همزیستی پیش از ازدواج و تمایل به ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی^{۳۴} نشان از وجود روابط نابسامان در زوجین ایرانی دارد (مدیری و مهدوی، ۱۳۹۴؛ آزادارمکی و شریفی‌ساعی، ۱۳۹۰: ۴۳۷ به نقل از گرمارودی، ۱۳۸۸؛ سلیمی‌نیا، ۱۳۸۴؛ محمد، ۲۰۰۸؛ مهدوی، ۲۰۰۸).

عجین بودن جامعه ایرانی با خانواده ایرانی و عدم وجود تحقیقات کافی در زمینه خانواده، وجود دیدگاه‌های مبتنی بر تحقیقات جوامع دیگر و دیدگاه‌های افراطی و تفریطی در حوزه خانواده لزوم بررسی ابعاد مختلف خانواده و از جمله روابط بین فردی را نشان می‌دهد. همچنین در تحقیقات عمدتاً توجه به ازدواج و طلاق و موضوعات پیرامون این دو، بیش از کم و کیف روابط همسران مورد توجه بوده و جای آن دارد که روابط و پیوندها در خانواده و به خصوص کیفیت زندگی زناشویی مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به اینکه بررسی روابط میان زوجین از اهمیت بالایی برخوردار است، بررسی کیفیت زندگی زناشویی به ویژه در حوزه جامعه‌شناسی مغفول مانده، برخی تحقیقات نشان می‌دهد کیفیت زندگی زناشویی کاهش داشته است، کیفیت زندگی زناشویی مفهوم واحدی ندارد و اندازه‌گیری آن محل مناقشه است،

بنابراین بررسی آن حائز اهمیت بوده و با توجه به نکات مذکور سؤالات اساسی این تحقیق عبارتند از: در جامعه ما وضعیت کیفیت زندگی زناشویی چگونه است؟ ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی اثرگذار بر کیفیت زندگی زناشویی کدام‌اند؟ ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی اثرگذار بر کیفیت زندگی زناشویی به تفکیک جنسیت کدام‌اند؟ متغیرهای اقتصادی اجتماعی به چه میزان توانایی تبیین کیفیت زندگی زناشویی را دارند؟ در سنجش کیفیت زندگی زناشویی، چنانکه در پیشینه تحقیق دیدیم، ابزار استاندارد وجود نداشته و محققین با به کار بردن گویه‌هایی که در کلیت مشابه یکدیگر بودند، این مفهوم را در دو، چهار، پنج یا شش بعد عملیاتی کرده‌اند. همچنین پیشینه مطالعات نشان داده، عمده تئوری‌های مطرح شده در حوزه کیفیت زندگی زناشویی نظریه‌های برد متوسط بوده و به وسیله بر^{۳۵} (۱۹۷۳)، بر و همکاران (۱۹۷۹)، لوئیس و اسپنیر^{۳۶} (۱۹۷۹)، رلینز و گیالیگان^{۳۷} (۱۹۷۸) و میلر^{۳۸} (۱۹۷۹) توسعه یافته‌اند. در تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی زناشویی تئوری‌های مبادله^{۳۹}، کنش متقابل نمادین^{۴۰}، تعادل^{۴۱}، منابع قدرت^{۴۲}، اقتصاد جدید خانه^{۴۳} به کار رفته و شامل مفاهیم فشار نقش، اختلاف نقش، کنش متقابل، احساسات، نگرش‌ها، رضایت، تنش و همدلی است.

چنانکه دیدیم در تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر کیفیت زندگی زناشویی، نیز نتایج تحقیقات متفاوت است؛ بنابراین در این مقاله پس از سنجش کیفیت زندگی زناشویی، به بررسی وضعیت آن در شهر تهران پرداخته می‌شود و سپس تأثیر جنسیت، تحصیلات، درآمد، طبقه اقتصادی اجتماعی، اشتغال و نسل بر کیفیت زندگی زناشویی در کل نمونه و به تفکیک جنسیت آزمون خواهد شد.

روش

این پژوهش بخشی از پیمایش سبک زندگی متاهلین و تعیین‌کننده‌های آن در شهر تهران است که در سال ۱۳۹۴، با ابزار پرسشنامه محقق ساخته در مقیاس لیکرت انجام شده و جامعه آماری آن افراد متأهل شهر تهران بوده است (مدیری، ۱۳۹۴). جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۱۵۳۹۷۴ نفر بوده که در ۶۰۱۴ حوزه سکونت دارند و ۴۲۶۲۰۴۷ نفر از این تعداد متأهل می‌باشند (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰). با توجه به اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است، با احتساب اثر طرح^{۴۴} برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی‌پاسخی ۰/۲۵ حجم نمونه ۱۷۲۸ در نظر گرفته شده و با احتساب ریزش احتمالی خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۰/۱۵، متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است. نمونه‌ها متأهل بوده و از هر خانوار مرد یا زن برای مصاحبه دعوت شده‌اند. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای^{۴۵} بوده که از ۵۰ حوزه انتخاب شده است.

در این پژوهش ابتدا تعداد متاهلین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (۴۲۶۲۰۴۷ نفر) را در نظر گرفتیم و سپس با توجه به جمعیت هر منطقه تعداد نمونه هر منطقه را مشخص کردیم. همچنین سه گروه سنی زیر ۴۰ سال، ۴۰ تا ۵۴ سال، ۵۵ سال و بالاتر را نیز لحاظ کردیم تا نمونه حتی‌المقدور معرف باشد. سپس برای دستیابی به این نمونه‌ها در هر منطقه، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی موجود بین مناطق شهر تهران و به منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از این مناطق از تقسیم جمعیت شهر تهران (۸۱۵۳۹۷۴) که در ۶۰۱۴ حوزه پراکنده‌اند، بر ۵۰ حوزه فاصله انتخاب ۱۶۳۰۷۹،۴۸ به دست آمد. اولین

حوزه به شکل تصادفی انتخاب شد. سپس با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین حوزه، حوزه دوم انتخاب شد و به همین ترتیب حوزه‌های دیگر انتخاب شدند. سپس با توجه به جمعیت هر منطقه و حوزه‌های انتخاب شده در آن منطقه و همچنین جمعیت هر حوزه، تعداد نمونه‌ها در هر حوزه مشخص شد. به این ترتیب پراکندگی حوزه‌های انتخاب شده، در عمل پراکنش متغیرهای تحت مطالعه را تا حد قابل ملاحظه‌ای تأمین می‌کند. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده و بنابراین یافته‌های ما قابل تعمیم به شهر تهران است. نقشه‌های حوزه‌های منتخب از هر منطقه از مرکز آمار ایران تهیه شد. جهت نمونه‌گیری پرسشگران با مراجعه به حوزه‌های منتخب نمونه‌گیری و درب منازل افراد، اقدام به جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه نهایی که بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن تأیید شده بود، نمودند. نمونه‌گیری با همکاری بیش از ۱۰ پرسشگر در آبان، آذر و دی‌ماه ۱۳۹۴ انجام شد. پرسشنامه‌ها توسط مجری طرح بررسی شد، پرسشنامه‌های با بی‌پاسخی بالا و نامعتبر کنار گذاشته شد و در نهایت ۱۷۳۶ پرسشنامه انتخاب شده و در تجزیه تحلیل نهایی به کار گرفته شد. در این پژوهش از اعتبار صوری^{۴۶} و اعتبار سازه^{۴۷} استفاده کردیم. جهت کسب اعتبار صوری، پرسشنامه تهیه شده توسط اساتید صاحب‌نظر و اعضای هیأت علمی موسسه مورد بازبینی قرار گرفته و پس از آزمون اولیه و اعمال اصلاحات، پرسشنامه نهایی تهیه شد و جهت کسب اعتبار سازه از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کردیم. در پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق به شرح زیر است:

متغیر کیفیت زندگی زناشویی: کیفیت زندگی زناشویی را به دلیل طبیعت چندبعدی آن به راحتی نمی‌توان مفهوم سازی نمود. آیلز معتقد است علت عدم توافق در سنجش کیفیت زندگی زناشویی نبود یک نظریه واحد در مورد چیستی کیفیت زندگی زناشویی است (آیلز، ۲۰۰۴). طبق گفته اسپینر و لوئیس (۱۹۸۰) کیفیت زندگی زناشویی با ارزیابی ذهنی افراد متأهل از رابطه با همسر در چند بعد تعریف می‌شود. لارسون و هالمن^{۴۸} بیان کردند که کیفیت زندگی زناشویی یک مفهوم پویاست زیرا ماهیت و کیفیت روابط میان افراد در خلال زمان تغییر می‌یابد. در این تحقیق مقیاس کیفیت زندگی زناشویی برگرفته از مقیاس‌های جانسون و همکاران (۱۹۸۶)، زانگ و همکاران (۲۰۱۳)، آلدورف و گیمایر (۲۰۱۳) ساخته شد. از آنجا که با توجه به زمینه‌های فرهنگی جامعه ما، به هر یک از مقیاس‌های به کار گرفته شده توسط این محققین انتقادهایی وارد بود، این متغیر با لحاظ کردن گویه‌های مشترک این مقیاس‌ها و همچنین عدم به‌کارگیری گویه‌هایی که در جامعه ما کاربرد ندارد، ساخته شد. بر اساس مقیاس‌های مذکور، در ساخت این متغیر از گویه‌های نشاط زناشویی، تعامل با همسر، گفت‌وگو با همسر، مشکلات زناشویی، عدم توافق‌ها، گرایش به طلاق استفاده شد و سپس اعتبار آن با تحلیل عاملی اکتشافی تأیید گردید. در تحلیل عاملی اکتشافی دو بعد مثبت و منفی کیفیت زناشویی استخراج شد. بعد مثبت از ترکیب ۲۴ گویه و بعد منفی از ترکیب ۲۶ گویه ساخته شدند. آلفای کرونباخ بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی ۰/۹۱۹ و بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی ۰/۹۱۱ بوده است (گویه‌ها در جدول ۲ ارائه شده است).

جنسیت: در سطح اسمی دو قسمتی مرد و زن سنجیده شده است.

تحصیلات: تحصیلات فرد در ۱۱ سطح پرسیده شده و سپس به سه سطح متوسطه و پایین‌تر، دیپلم و بالاتر از دیپلم تقسیم یافته است.

درآمد: در پنج سطح سنجیده شد و سپس به سه سطح کمتر از ۲۲۵۰ هزار تومان، از ۲۲۵۰ هزار تومان تا ۳۷۵۰ هزار تومان، بالاتر از ۳۷۵۰ هزار تومان تقلیل یافت.

پایگاه اقتصادی اجتماعی: پایگاه اقتصادی اجتماعی از ترکیب درآمد و تحصیلات افراد برگرفته از مطالعه وایت^{۴۹} (۱۹۸۳) ساخته شده است. در ساخت این متغیر درآمد در پنج سطح و تحصیلات نیز در پنج سطح در نظر گرفته شده و با هم ترکیب شدند.

وضعیت شغلی: متغیر اسمی دوسطحی شاغل و غیر شاغل است که افراد غیر شاغل کلیه افراد خانه‌دار، دانشجو، بازنشسته، بیکار، دارای درآمد بدون کار و سایر موارد را شامل می‌شود.

نسل: برگرفته از تحقیق هانسون^{۵۰} (۲۰۱۴) سه نسل جوان^{۵۱} در سنین ۱۸-۳۴ سال، میانسال^{۵۲} در سنین ۳۵-۶۴ سال و سالمند^{۵۳} در گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر مشخص شد.

در ادامه و در بخش یافته‌ها و با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس، تفاوت میانگین و رگرسیون چندگانه به توصیف دو بعد کیفیت زندگی زناشویی و وضعیت آن پرداخته و سپس تحلیل دومتغیره و چندمتغیره عوامل اقتصادی اجتماعی و کیفیت زندگی زناشویی ارائه خواهد شد.

یافته‌ها

از ۱۷۳۶ نمونه به دست آمده این پژوهش ۴۸/۶ درصد مرد و ۵۱/۴ درصد زن بودند. ۳۸/۳ درصد از مردان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۶ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۲۵/۷ درصد ۵۵ سال و بالاتر بودند. همچنین ۴۹/۴ درصد از زنان متأهل در دامنه سنی زیر ۴۰ سال، ۳۴ درصد ۴۰ تا ۵۴ سال و ۱۶/۶ درصد ۵۵ سال و بالاتر بوده‌اند. ترکیب سنی و جنسی نمونه نشان می‌دهد نمونه به دست آمده نمونه‌ای معرف جامعه آماری است و بنابراین امکان تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری وجود دارد. جدول ۱ شاخص‌های توصیفی کیفیت زندگی زناشویی را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول ۱ می‌بینیم میانگین بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی بالاتر از میزان متوسط و میانگین بعد منفی کمتر از متوسط است. جدول ۲ توزیع درصدی گویه‌های بعد مثبت و منفی کیفیت زندگی زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیر کیفیت زندگی زناشویی

متغیر	کل نمونه		
	میانگین	واریانس	انحراف استاندارد
بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی	۸۸/۹۹	۳۱۲/۱۳	۱۷/۶۷
بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی	۱۹/۹۲	۲۹۱/۶۳	۱۷/۰۸

جدول ۲ نشان می‌دهد بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی در ۶۷/۵ درصد از پاسخگویان در سطح بالا و در ۳۲/۵ درصد در سطح متوسط و پایین‌تر گزارش شده است. کمترین رضایت، رضایت از وضعیت مالی خانواده است. بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی در ۸۵/۲۹ درصد از پاسخگویان در سطح پایین و در ۱۴/۷۱

درصد در سطح متوسط و بالاتر گزارش شده است. کتک کاری و پرتاب اشیاء کمتر از دیگر مشکلات زناشویی گزارش شده و بیشترین عدم توافق در تربیت کودک، توقعات همسر و ارتباط با خانواده همسر می باشد.

جدول ۲: توزیع درصدی گویه‌های بعد مثبت و منفی کیفیت زندگی زناشویی

جمع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	اصلاً	گویه‌ها		
۱۷۳۱	۱۰۰	۱۵/۱	۳۷/۷	۳۲/۴	۶/۶	۵/۸	۲/۴	درک شما توسط همسر	کیفیت زندگی زناشویی
۱۷۳۲	۱۰۰	۱۷/۳	۴۵/۱	۲۶/۹	۵	۴	۱/۷	محبت همسر به شما	
۱۶۹۴	۱۰۰	۱۷/۸	۴۵/۵	۲۹	۳/۱	۲/۷	۱/۹	رابطه جنسی با همسر	
۱۴۶۸	۱۰۰	۲۰/۶	۵۵/۴	۱۸/۴	۲/۵	۲/۴	۰/۷	رابطه همسران با فرزندان	
۱۷۰۸	۱۰۰	۱۵/۲	۴۹/۳	۲۹/۶	۲/۵	۲/۳	۱/۱	انجام وظیفه توسط همسر	
۱۷۲۴	۱۰۰	۲۷/۳	۵۵/۶	۱۲/۵	۱/۲	۲/۱	۱/۳	وفاداری همسران	
۱۷۲۴	۱۰۰	۳/۹	۲۳/۷	۵۳/۸	۸/۳	۶	۴/۳	وضعیت مالی	
۱۷۱۷	۱۰۰	۸/۸	۵۳/۲	۲۶/۸	۵/۹	۳/۳	۲	توافق در تقسیم کار خانگی	
۱۷۱۶	۱۰۰	۹/۶	۵۱/۹	۲۷/۶	۶/۲	۳/۹	۰/۸	میزان شادی شما در خانه	
۱۷۲۵	۱۰۰	۱۹/۱	۵۰/۶	۲۱/۳	۳/۸	۲/۹	۲/۳	ازدواج با همسران	
۱۷۲۰	۱۰۰	۱۳/۵	۴۰/۹	۳۴/۳	۵/۴	۴/۵	۱/۴	خوشبختی شما در ازدواجتان نسبت به دوستان و همسالان	
۱۷۲۰	۱۰۰	۱۷/۴	۴۳/۹	۳۰/۷	۴/۵	۲	۱/۵	احساس قوی عشق به همسران	
۱۴۴۲	۱۰۰	۴۷/۹	۳۱/۴	۱۲/۱	۰	۶	۲/۶	دیدار با والدین	
۱۶۹۵	۱۰۰	۵۳/۶	۲۶/۸	۱۱/۵	۰	۵/۵	۲/۶	دیدار با خواهر و برادر	
۱۶۴۷	۱۰۰	۵۹/۷	۲۲/۲	۹/۸	۰	۵/۳	۳	دیدار با اقوام و فامیل	
۱۵۵۶	۱۰۰	۲۹/۸	۸/۱	۱۱/۸	۰	۱۵/۱	۳۵/۲	دیدار با دوستان	
۱۴۳۹	۱۰۰	۷۲/۲	۱۶/۷	۵/۷	۰	۲/۵	۲/۹	رفتن به رستوران، سینما، تئاتر و ...	
۱۳۹۲	۱۰۰	۵۰/۶	۱۱/۹	۸/۱	۰	۷/۳	۲۲/۱	ورزش‌هایی مانند پیاده‌روی، دویدن و ...	
۱۶۴۱	۱۰۰	۵۹/۲	۱۹/۹	۷/۷	۰	۳/۹	۹/۳	تفریح و سرگرمی‌هایی مانند رفتن به پارک و ...	
۱۰۵۴	۱۰۰	۲۹/۶	۱۵/۶	۱۶/۳	۰	۱۶	۲۲/۵	شرکت در مکان‌های مذهبی مانند مسجد و ...	
۱۶۹۳	۱۰۰	۸۰/۶	۱۴/۳	۲/۸	۰	۰/۸	۱/۵	رفتن به مسافرت	
۱۷۷۲	۱۰۰	۳۹/۴	۴۷	۱۰/۸	۰	۱/۵	۱/۳	خوردن غذا	
۱۷۲۲	۱۰۰	۴۵/۲	۲۴/۴	۱۳/۶	۰	۵/۷	۱۱/۱	گفت‌وگو درباره فعالیت‌های روزمره	
۱۷۲۷	۱۰۰	۵۳/۶	۲۱/۸	۸/۹	۰	۵	۱۰/۸	گفت‌وگو درباره مشکلات شخصی	
۱۶۳۲	۱۰۰	۳۳/۶۳	۳۳/۸۷	۱۹/۲۷	۲/۲۹	۴/۸۵	۶/۰۹	بعد مثبت زندگی زناشویی	
		۶۷/۵		۱۹/۲۷		۱۳/۲۳			
فراوانی	درصد	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	اصلاً	گویه‌ها	
۱۷۲۸	۱۰۰	۵/۸	۱۲/۲	۳۳/۱	۹/۸	۲۴/۴	۱۴/۷	زود عصبانی شدن	بعد منفی
۱۷۲۸	۱۰۰	۴/۲	۴/۲	۱۸/۵	۹/۷	۲۱/۸	۴۱/۶	حسادت کردن	
۱۷۲۵	۱۰۰	۱/۶	۴/۶	۱۰/۸	۷/۷	۱۷/۹	۵۷/۴	سلطه‌گر بودن	
۱۷۲۷	۱۰۰	۱/۵	۴/۷	۱۹/۸	۱۱/۲	۲۹/۲	۳۳/۶	بداخلاق بودن	
۱۷۱۹	۱۰۰	۱/۶	۴/۸	۱۵/۳	۹/۶	۲۱/۵	۴۷/۲	حرف نزدن با همسر	
۱۷۲۸	۱۰۰	۱/۶	۳/۹	۱۴/۱	۸/۲	۲۴/۱	۴۸/۱	داشتن عادت‌های آزاردهنده مانند کنایه زدن	

ادامه جدول ۲

۱۷۲۰	۱۰۰	۰/۹	۴/۸	۱۷/۵	۸	۱۵/۸	۵۳	کم بودن در خانه
۱۷۲۲	۱۰۰	۱/۳	۳/۸	۱۵/۶	۷/۷	۱۹	۵۲/۶	پول خرج کردن بی‌مورد
۱۷۲۴	۱۰۰	۰/۵	۱	۴/۶	۳/۴	۷/۶	۸۲/۹	پرتاب اشیا و لوازم خانه
۱۷۲۸	۱۰۰	۱	۲/۴	۷/۸	۷/۳	۱۳/۱	۶۸/۴	توهین کردن به یکدیگر
۱۷۲۷	۱۰۰	۰/۴	۱	۳/۳	۳/۱	۵/۳	۸۶/۹	کتک‌کاری
۱۷۲۱	۱۰۰	۳	۲/۵	۵/۳	۳/۳	۵	۸۰/۹	ارتباط با جنس مخالف
۱۷۱۳	۱۰۰	۱	۱/۸	۴/۵	۴/۶	۱۶/۵	۷۱/۶	روابط جنسی
۱۷۱۰	۱۰۰	۱/۳	۰/۷	۱/۳	۱/۱	۲/۵	۹۳/۱	اعتیاد
۱۳۶۱	۱۰۰	۱/۲	۳	۲۱	۹/۸	۲۰/۸	۴۴/۲	تربیت کودکان
۱۵۹۳	۱۰۰	۰/۶	۱/۳	۶/۸	۳/۷	۱۱	۷۶/۶	مراقبت از بستگان سالمند و بیمار
۱۷۲۲	۱۰۰	۰/۵	۱/۹	۶/۶	۵/۱	۹/۶	۷۶/۳	ارتباط با دوستان
۱۷۲۲	۱۰۰	۱/۴	۳/۵	۱۲/۳	۷	۱۶/۳	۵۹/۵	توقعات زیاد همسر
۱۷۱۵	۱۰۰	۱/۲	۳/۲	۱۲/۳	۵/۵	۱۶/۲	۶۱/۶	ارتباط با خانواده همسر
۱۷۲۵	۱۰۰	۰/۵	۰/۶	۴/۲	۴	۱۰/۶	۸۰/۱	مسائل مذهبی و دینی
۱۷۲۵	۱۰۰	۰/۶	۱/۹	۹/۳	۴/۸	۱۵/۲	۶۸/۲	مسائل مالی خانواده
۱۷۰۸	۱۰۰	۰/۷	۰/۹	۷/۲	۳/۲	۱۲	۷۶	فرزندآوری و تعداد فرزندان
۱۷۲۸	۱۰۰	۱/۷	۰/۹	۶/۷	۳/۲	۱۰/۱	۷۷/۴	چقدر ممکن زندگی زناشویی شما در آینده از هم بپاشد
۱۷۲۸	۱۰۰	۱/۱	۱/۱	۲/۸	۳/۴	۶/۹	۸۴/۷	چقدر در مورد طلاق صحبت کرده‌اید
۱۷۲۰	۱۰۰	۱/۴	۰/۹	۳/۴	۳/۱	۶/۲	۸۵	اخیراً به چه میزان طلاق را به شکل جدی مطرح کرده‌اید
۱۷۲۸	۱۰۰	۱/۱	۱/۸	۷/۴	۸	۲۶/۴	۵۵/۳	به چه میزان سابقه جدایی از همسران داشته‌اید
۱۷۰۴	۱۰۰	۱/۴۵	۲/۸۲	۱۰/۴۴	۵/۹۸	۱۴/۸۱	۶۴/۵۰	بعد منفی زندگی زناشویی
		۴/۲۷	۱۰/۴۴	۸۵/۲۹				

حدود ۴/۵ درصد از پاسخگویان مشکلات زناشویی و یا عدم توافق را در سطح بالا و حدود ۱۱ درصد از ایشان عدم نشاط زناشویی و کنش‌های مشترک با همسر را در سطح پایین بیان کرده‌اند و از زندگی زناشویی خود حس مثبتی ندارند. در ادامه به تحلیل دومتغیره ابعاد مثبت و منفی کیفیت زندگی زناشویی با ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی پرداخته خواهد شد. جدول ۳ آزمون فرضیه وجود تفاوت جنسیتی در کیفیت زندگی زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۳: آزمون اختلاف میانگین^{۵۴} کیفیت زندگی زناشویی بر حسب جنس

مقدار ^{۵۵} P	درجه آزادی	F	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنس		
۰/۰۰۱	۱۵۵۷/۵۰۲	۹۹/۵۰۳	۱۳/۴۷۱۴	۹۲/۶۴۷۳	۸۴۴	مرد	بعد مثبت	کیفیت زندگی زناشویی
			۲۰/۲۸۵۹	۸۵/۵۴۲۰	۸۹۲	زن		
۰/۸۶۸	۱۷۳۴	۰/۰۰۲	۱۶/۷۳۸۳	۱۹/۹۹۱۷	۸۴۴	مرد	بعد منفی	
			۱۷/۴۰۱۰	۱۹/۸۵۵۶	۸۹۲	زن		

چنانکه در جدول ۳ نشان داده شده، میانگین بعد مثبت در مردان بیشتر از زنان گزارش شده و در بعد منفی تفاوت جنسیتی وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه تأثیر جنسیت بر کیفیت زندگی زناشویی در بعد مثبت پذیرفته می‌شود.

جدول ۴ آزمون تحلیل واریانس یک طرفه^{۵۶} تحصیلات با کیفیت زندگی زناشویی را در کل نمونه و به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۴: تحلیل واریانس تحصیلات با کیفیت زندگی زناشویی

زنان			مردان			کل نمونه			تحصیلات		
P مقدار	F	میانگین	P مقدار	F	میانگین	P مقدار	F	میانگین			
۰/۰۰۱	۲۱/۹۰۳	۸۰/۲۱۱۸	۰/۰۰۰	۷/۷۰۴	۹۰/۲۹۴۵	۰/۰۰۱	۲۲/۵۰۸	۸۵/۳۵۴۷	متوسطه و	بعد مثبت	کیفیت زندگی زناشویی
		۸۵/۱۶۶۱			۹۴/۴۴۵۸			۸۹/۶۶۴۸	پایین تر		
		۹۰/۱۸۷۷۶			۹۳/۴۹۴۲			۹۲/۰۸۹۱	دیپلم		
۰/۱۹۹	۱/۶۱۹	۱۸/۳۶۶۱	۰/۲۴۵	۱/۴۱۱	۱۸/۷۰۴۶	۰/۰۵۱	۲/۹۸۹	۱۸/۵۳۸۷	متوسطه و	بعد منفی	
		۳۰/۷۵۰۹			۳۰/۶۴۸۹			۳۰/۷۰۱۴	پایین تر		
		۳۰/۴۲۳۲			۳۰/۷۸۴۲			۳۰/۵۹۰۳	دیپلم		
									بالاتر از دیپلم		

چنانکه در جدول ۴ نشان داده شده، پایین‌ترین میانگین در بعد مثبت و منفی کیفیت زندگی زناشویی در افراد با تحصیلات متوسطه و پایین‌تر وجود دارد و افراد با تحصیلات بالاتر از دیپلم بیش از سایر گروه‌ها بعد مثبت زندگی زناشویی را گزارش کرده‌اند که در بعد منفی تفاوت معنادار نیست؛ بنابراین فرضیه تأثیر تحصیلات بر کیفیت زندگی زناشویی در بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی در هر دو جنس پذیرفته می‌شود. جدول ۵ تحلیل واریانس یک طرفه درآمد با کیفیت زندگی زناشویی را در کل نمونه و به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۵: تحلیل واریانس درآمد با کیفیت زندگی زناشویی

زنان			مردان			کل نمونه			درآمد		
P مقدار	F	میانگین	P مقدار	F	میانگین	P مقدار	F	میانگین			
۰/۰۹۹	۲/۳۱۶	۸۵/۲۶۰۷	۰/۰۰۲	۶/۳۶۵	۹۱/۲۹۷۷	۰/۰۰۰	۲۳/۲۹۲	۸۷/۴۵۱۰	پایین تر از ۲۲۵۰	بعد مثبت	کیفیت زندگی زناشویی
		۹۳/۲۰۸۵			۹۵/۰۸۳۶			۹۴/۸۵۵۶	۲۲۵۰ - ۳۷۵۰		
		۸۶/۷۱۴۶			۹۳/۴۰۳۷			۹۲/۹۷۹۷	بالاتر از ۳۷۵۰		
۰/۱۴۵	۱/۹۳۴	۱۹/۶۲۲۹	۰/۰۰۱	۷/۳۳۶	۲۱/۰۴۷۲	۰/۰۰۵	۵/۲۲۸	۲۰/۱۳۹۷	پایین تر از ۲۲۵۰	بعد منفی	
		۲۲/۷۲۴۱			۱۶/۳۸۲۹			۱۷/۱۵۳۸	۲۲۵۰ - ۳۷۵۰		
		۲۹/۶۷۰۱			۲۲/۱۲۳۶			۲۲/۶۰۱۹	بالاتر از ۳۷۵۰		

چنانکه در جدول ۵ نشان داده شده، افراد با درآمد پایین‌تر از ۲۲۵۰ در بعد مثبت پایین‌ترین کیفیت زندگی زناشویی و افراد با درآمدهای بالاتر از آن در بعد مثبت، کیفیت زندگی زناشویی بالاتری دارند. همچنین در بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی پایین‌ترین میانگین و به تعبیر دیگر بالاترین کیفیت زندگی زناشویی از آن افرادی است که درآمد متوسط (۲۲۵۰ هزار تومان تا ۳۷۵۰ هزار تومان) دارند و افراد با درآمد پایین‌تر از ۲۲۵۰ و بالاتر از ۳۷۵۰ کیفیت زندگی زناشویی پایین‌تری را گزارش کرده‌اند؛ بنابراین فرضیه مبنی بر تأثیر درآمد بر کیفیت زندگی زناشویی پذیرفته می‌شود. همچنین در مردان درآمد پایین و بالا هر دو

بر کیفیت زندگی زناشویی مردان اثر منفی دارد. در حالی که درآمد بر کیفیت زندگی زناشویی زنان تأثیر معناداری نداشته و بنابراین کیفیت زندگی زناشویی در زنان کمتر از مردان متأثر از درآمد ایشان است. جدول ۶ همبستگی طبقه اقتصادی اجتماعی با کیفیت زندگی زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۶: آزمون همبستگی کیفیت زندگی زناشویی با طبقه اقتصادی اجتماعی

زنان		مردان		کل نمونه		طبقه اقتصادی اجتماعی	بعد مثبت	بعد منفی	کیفیت زندگی زناشویی
P مقدار	پیرسون	P مقدار	پیرسون	P مقدار	پیرسون				
۰/۰۰۱	۰/۲۱۰	۰/۰۰۱	۰/۱۲۱	۰/۰۰۱	۰/۱۹۴				
۰/۰۷۳	۰/۰۶۳	۰/۵۳۸	۰/۰۲۱	۰/۱۱۲	۰/۰۳۸				

چنانکه در جدول ۶ مشاهده می‌شود همبستگی مثبت معنادار میان طبقه اقتصادی اجتماعی و بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی وجود دارد و در این حوزه تفاوتی نیز میان مردان و زنان وجود ندارد؛ بنابراین فرضیه تأثیر طبقه اقتصادی اجتماعی بر کیفیت زندگی زناشویی در بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی پذیرفته می‌شود.

جدول ۷ آزمون اختلاف میانگین کیفیت زندگی زناشویی بر حسب وضعیت اشتغال را نشان می‌دهد.

جدول ۷: آزمون اختلاف میانگین کیفیت زندگی زناشویی بر حسب وضعیت اشتغال

زنان		مردان		کل نمونه			وضعیت اشتغال				
P مقدار	F	میانگین	P مقدار	F	میانگین	P مقدار	F	میانگین	بعد مثبت	بعد منفی	کیفیت زندگی زناشویی
۰/۰۲۲	۷/۸۴۶	۱۹/۰۳۷۸۸	۰/۰۸۵	۰/۰۰۴	۹۰/۸۹۱۱	۰/۰۰۱	۱۷/۵۲۴	۸۵/۶۸۷۸	غیر شاغل	بعد	کیفیت زندگی زناشویی
		۳۴/۰۰۷۲۴			۹۳/۰۱۱۵			۹۳/۱۱۹۸	شاغل	مثبت	
۰/۰۹۴	۱/۷۰۶	۱۷/۱۱۶۹۴	۰/۰۰۱	۹/۶۸۰	۱۵/۸۲۷۸	۰/۰۰۴	۴/۹۵۵	۱۸/۷۱۹۰	غیر شاغل	بعد	کیفیت زندگی زناشویی
		۱۸/۳۰۳۰۵			۳۰/۸۵۵۴			۳۱/۰۵۷۳	شاغل	منفی	

چنانکه در جدول ۷ مشاهده می‌شود، بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی در افراد شاغل بیشتر از افراد غیر شاغل بوده و بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی نیز در افراد شاغل بیش از افراد غیر شاغل است؛ بنابراین فرضیه مبنی بر تأثیر اشتغال بر کیفیت زندگی زناشویی پذیرفته می‌شود. همچنین در مردان بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی در افراد شاغل بیشتر از افراد غیر شاغل بوده و در زنان بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی نیز در افراد شاغل بیش از افراد غیر شاغل است؛ بنابراین اشتغال بر کیفیت زندگی زناشویی زنان تأثیر مثبت و بر کیفیت زندگی زناشویی مردان تأثیر منفی داشته است. جدول ۸ آزمون اختلاف میانگین کیفیت زندگی زناشویی بر حسب نسل را نشان می‌دهد.

جدول ۸: تحلیل واریانس نسل با کیفیت زندگی زناشویی

زن			مردان			کل نمونه			نسل		
P مقدار	F	میانگین	P مقدار	F	میانگین	P مقدار	F	میانگین			
۰/۶۴۰	۰/۴۴۷	۸۶/۷۹۶۷	۰/۶۵۱	۰/۴۲۹	۹۱/۵۶۶۳	۰/۷۲۴	۰/۳۲۳	۸۹/۸۴۳۹	اول	بعد مثبت	کیفیت زندگی زناشویی
		۸۵/۰۶۵۸			۹۲/۸۸۷۲			۸۹/۰۵۷۱	دوم		
		۸۶/۳۰۵۷			۹۲/۳۴۵۱			۸۸/۵۲۶۳	سوم		
۰/۰۰۱	۸/۶۵۴	۱۲/۶۸۷۵	۰/۰۰۱	۱۴/۵۱۱	۱۱/۷۱۸۹	۰/۰۰۱	۲۱/۹۱۵	۱۲/۰۶۸۷	اول	بعد منفی	
		۱۹/۱۵۶۸			۲۰/۴۹۳۴			۱۹/۸۳۸۹	دوم		
		۲۲/۷۱۱۳			۲۳/۰۱۷۳			۲۲/۸۲۳۸	سوم		

چنانکه جدول ۸ نشان می‌دهد، در بعد منفی زندگی زناشویی در نسل اول میزان مشکلات و عدم توافقیها در کل نمونه و در مردان و زنان کمتر از نسل دوم و سوم است؛ بنابراین فرضیه مبنی بر تفاوت نسلی در کیفیت زندگی زناشویی در بعد منفی آن پذیرفته می‌شود. جدول ۹ رگرسیون چند متغیره عوامل اقتصادی اجتماعی اثرگذار بر کیفیت زندگی زناشویی را (در کل نمونه و به تفکیک جنسیت) نشان می‌دهد.

جدول ۹: تحلیل چند متغیره عوامل اقتصادی اجتماعی بر کیفیت زندگی زناشویی به روش گام به گام^{۵۷}

زن		مردان		کل نمونه		
بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی	بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی	بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی	بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی	بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی	بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی	
Beta	Beta	Beta	Beta	Beta	Beta	
					-۰/۱۸۲	جنس
	۰/۲۵۶				۰/۱۷۶	تحصیلات
						پایین‌تر از ۲۲۵۰
		-۰/۱۲۳	۰/۰۸۱	-۰/۰۷۸	۰/۰۵۳	۲۲۵۰ - ۳۷۵۰
						بالتر از ۳۷۵۰
		۰/۰۷۳		۰/۰۸۲		وضعیت شغلی
			۰/۰۹۸			طبقه اقتصادی اجتماعی
۰/۱۳۲	-۰/۰۹۵	۰/۱۲۷		۰/۱۳۰	-۰/۰۵۰	نسل
۱۵/۷۱۲	۲۵/۳۷۹	۱۷/۴۴۲	۸/۷۹۵	۱۷/۴۳۱	۳۳/۶۶۵	F
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	P مقدار
۰/۱۳۲	۰/۲۳۳	۰/۲۱۱	۰/۱۴۳	۰/۱۷۱	۰/۲۶۹	R
۰/۰۱۷	۰/۰۵۴	۰/۰۴۵	۰/۰۳۱	۰/۰۲۹	۰/۰۷۲	ضریب تعیین ^{۵۸}
۰/۰۱۶	۰/۰۵۲	۰/۰۴۱	۰/۰۱۸	۰/۰۲۸	۰/۰۷۰	ضریب تعیین تعدیل شده ^{۵۹}

چنانکه در جدول ۹ نشان داده شده، در کل نمونه و همچنین در مردان و زنان P مقدار مدل در سطح معنادار است و نشان می‌دهد که مدل تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر کیفیت زندگی زناشویی مدل قابل قبولی است؛ اما این مدل تنها توانایی تبیین ۷ درصد از واریانس کیفیت زندگی زناشویی در بعد مثبت و ۲/۸ درصد از واریانس کیفیت زندگی زناشویی در بعد منفی را دارد. همچنین این جدول نشان می‌دهد جنسیت، تحصیلات، درآمد و نسل عواملی هستند که در ورود همزمان متغیرهای اقتصادی اجتماعی در سطح معناداری در مدل باقی مانده‌اند. به طوری که کیفیت زندگی زناشویی زنان در بعد مثبت از مردان پایین‌تر

است. افراد با تحصیلات بالاتر در بعد مثبت کیفیت زندگی ناشویی بالاتری دارند. از نسل اول به سوم بعد مثبت کیفیت زندگی ناشویی کاهش و بعد منفی آن افزایش می‌یابد. در تفکیک جنسیتی، درصد تبیین واریانس متغیر وابسته کیفیت زندگی ناشویی در زنان و مردان تفاوت چشمگیری ندارد. در مردان میزان درآمد تأثیر معناداری بر کیفیت زندگی ناشویی ایشان دارد. به طوری که بالاترین کیفیت زندگی ناشویی در مردان با درآمد متوسط مشاهده می‌شود. در زنان نسل و تحصیلات عوامل اثرگذارتری هستند. به طوری که زنان با تحصیلات بالاتر از کیفیت زندگی ناشویی بالاتری برخوردارند و کاهش کیفیت زندگی ناشویی از نسل اول به سوم وجود دارد.

بحث و تفسیر

در این مطالعه به سنجش و بررسی وضعیت کیفیت زندگی ناشویی و عوامل اقتصادی اجتماعی اثرگذار بر آن پرداختیم. میانگین کیفیت زندگی ناشویی در این تحقیق، نشان از وجود کیفیت زندگی ناشویی در سطح قابل قبول در شهر تهران دارد. میانگین بعد مثبت زندگی ناشویی در زنان پایین‌تر از مردان بوده، واریانس آن بیشتر است و کمینه آن کمتر از مردان است؛ به عبارت دیگر در زنان در بعد مثبت زندگی ناشویی تفاوت بیشتری وجود دارد و افرادی که سطح بسیار پایینی از آن را مطرح کرده باشند بیش از مردان است. در بعد منفی زندگی ناشویی تفاوت قابل ملاحظه‌ای در زنان و مردان مشاهده نمی‌شود. با دقت بیشتر در گویه‌های دو بعد متغیر کیفیت زندگی ناشویی ملاحظه می‌شود، بعد منفی بیشتر عینی و قابل لمس بوده و بعد مثبت آن ابعاد ذهنی و احساسی بیشتری را در بر گرفته و بیشتر ممکن است بر اساس احساسات و انتظارات فرد باشد.

این تحقیق نشان داد، به طور متوسط حدود ۱۵ درصد از متأهلین در شهر تهران (کسانی که بعد منفی کیفیت زندگی ناشویی را در سطح متوسط و بالاتر گزارش کرده‌اند) تا ۳۳ درصد از ایشان (کسانی که بعد مثبت کیفیت زندگی ناشویی را در سطح متوسط و پایین‌تر گزارش کرده‌اند)، کیفیت زندگی ناشویی مطلوبی ندارند و این امر نیاز به توجه بیشتر را در سطح خرد و کلان می‌طلبد. در این راستا، شناخت عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی ناشویی در سطح فردی و به‌کارگیری این عوامل در راستای ارتقای کیفیت زندگی ناشویی توسط زوجین، شناخت عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی ناشویی در سطح کلان در گروه‌های اجتماعی جنسی، سنی، تحصیلی، درآمدی و به‌کارگیری این عوامل در راستای ارتقای کیفیت زندگی ناشویی توسط زوجین، شناخت پیامدهای کیفیت زندگی ناشویی در سطح فردی، شناخت پیامدهای کیفیت زندگی ناشویی در سطح کلان، لزوم وجود سیاست‌های خانواده محور در راستای ارتقای کیفیت زندگی ناشویی پیشنهاد می‌شود.

در بیان عوامل اقتصادی اجتماعی اثرگذار بر کیفیت زندگی ناشویی نتایج این تحقیق نشان داده که میانگین بعد مثبت کیفیت زندگی ناشویی در مردان بیش از زنان ذکر شده و در بعد منفی تفاوت جنسیتی معناداری وجود ندارد. یافته این تحقیق در بعد مثبت کیفیت زندگی ناشویی همسو با نتایج مطالعات لاکسلی (۱۹۸۰)، هیتون و بک (۱۹۹۹) و آلدورف و گیمایر (۲۰۱۳) و در بعد منفی متفاوت با این مطالعات است. چنانکه گفته شد تفاوت جنسیتی در کیفیت زندگی ناشویی، به دقت بالاتر زنان در گزارش کردن وضعیت زندگی

زناشویی و به تمایل ایشان به داشتن روابط بهینه با همسر نسبت داده می‌شود. این یافته در تحقیق سبک زندگی متأهلین نیز مشاهده شد (مدیری، ۱۳۹۴) و مطالعات متعدد خارجی، این تفاوت را به دقت بیشتر زنان در گزارش، تمایل بیشتر زنان به برقراری کنش‌های مثبت با همسر و امکان کمتر ایشان در تحقق آن نسبت داده‌اند. بر این اساس در صورتی که همسران بیش از پیش به خواست‌ها و انتظارات یکدیگر اهمیت داده و در این راستا آموزش ببینند، ارتقای کیفیت زندگی زناشویی را به دنبال خواهد داشت.

چنانکه در یافته‌ها مشاهده شد، پایین‌ترین میانگین در بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی در افراد با تحصیلات متوسطه و پایین‌تر وجود دارد و افراد با تحصیلات بالاتر از دیپلم بعد مثبت زندگی زناشویی بالاتری را گزارش کرده‌اند. در بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی تفاوت معناداری در گروه‌های مختلف تحصیلی مشاهده نمی‌شود. در تأثیر تحصیلات بر کیفیت زندگی زناشویی تفاوت جنسیتی چشمگیری مشاهده نمی‌شود. یافته تحصیلات بالاتر در بعد مثبت زندگی زناشویی در مطالعات آلدورف و گیمایر (۲۰۱۳)، هولتر، آکسین و گیمر (۲۰۰۴) نیز گزارش شده است؛ بنابراین دستیابی به تحصیلات بالاتر برای زنان و مردان و آگاهی نسبت به رابطه تحصیلات با کیفیت زندگی زناشویی پیشنهاد می‌شود. از آنجا که بعد مثبت زندگی زناشویی بیشتر جنبه ذهنی داشت می‌توان این رابطه را به توانایی بالاتر افراد تحصیل کرده‌تر نسبت داد.

همچنین مشاهده شد که افراد با درآمد پایین‌تر از ۲۲۵۰ در بعد مثبت پایین‌ترین کیفیت زندگی زناشویی و افراد با درآمدهای بالاتر از آن در بعد مثبت، کیفیت زندگی زناشویی بالاتری دارند. در بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی پایین‌ترین میانگین و به تعبیر دیگر بالاترین کیفیت زندگی زناشویی از آن افرادی است که درآمد متوسط (۲۲۵۰ هزار تومان تا ۳۷۵۰ هزار تومان) دارند و افراد با درآمد پایین‌تر از ۲۲۵۰ و بالاتر از ۳۷۵۰ کیفیت زندگی زناشویی پایین‌تری را ذکر کرده‌اند. مردان با درآمد پایین‌تر از ۲۲۵۰ در بعد مثبت پایین‌ترین کیفیت زندگی زناشویی و افراد با درآمدهای ۲۲۵۰ هزار تومان تا ۳۷۵۰ هزار تومان در بعد مثبت، کیفیت زندگی زناشویی بالاتری دارند. همچنین در بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی پایین‌ترین میانگین و به تعبیر دیگر بالاترین کیفیت زندگی زناشویی از آن مردانی است که درآمد متوسط (۲۲۵۰ هزار تومان تا ۳۷۵۰ هزار تومان) دارند و افراد با درآمد پایین‌تر از ۲۲۵۰ و بالاتر از ۳۷۵۰ کیفیت زندگی زناشویی پایین‌تری را مطرح کرده‌اند؛ به عبارت دیگر درآمد پایین و بالا هر دو بر کیفیت زندگی زناشویی مردان اثر منفی دارد. در حالی که درآمد بر کیفیت زندگی زناشویی زنان تأثیر معناداری نداشته و بنابراین کیفیت زندگی زناشویی در زنان کمتر از مردان متأثر از درآمد ایشان است. یافته‌های تحقیق همسو با مطالعات شرام و هریس (۲۰۱۱)، هاردی و لوکاس (۲۰۰۹)، کلارک و گری (۱۹۹۱)، بردبوری و همکاران (۲۰۰۰)، سایر (۲۰۰۶)، است که نشان دادند عوامل اقتصادی تعیین‌کننده مهمی در تبیین کیفیت زندگی زناشویی است، مقادیر پایین درآمدی با کاهش کیفیت زندگی زناشویی همراه است و این عامل در مردان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و درآمد زنان تأثیر معناداری بر وضعیت کیفیت زندگی زناشویی ندارد. به نظر می‌رسد به ویژه برای مردان، داشتن حداقلی از منابع مالی برای روابط زناشویی مطلوب لازم است و به همین جهت افرادی که درآمد پایین دارند، حس مثبت کمتری در روابط زناشویی را تجربه کرده‌اند. از سوی دیگر از آنجا که عمدتاً در خانواده تهرانی تنها مردان دارای منابع مالی هستند، بر اساس تئوری‌های مبادله، منابع قدرت و تعادل، منابع مالی در سطح بالا نیز برای ایشان احساس مطلوبی در روابط زناشویی به دنبال نخواهد داشت. بر این

اساس همسان همسری اقتصادی در بدو ازدواج و امکان دستیابی زنان به منابع اقتصادی و وجود تعادل اقتصادی میان زوجین پیشنهاد می‌شود.

همچنین یافته‌ها نشان داد، همبستگی مثبت معنادار میان طبقه اقتصادی اجتماعی و بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی وجود دارد. به این معنا که با بالا رفتن طبقه اقتصادی اجتماعی افراد، بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی نیز افزایش می‌یابد و در این حوزه تفاوتی نیز میان مردان و زنان وجود ندارد. این یافته متفاوت با نتایج مطالعه آلدورف (۲۰۱۳) است که نشان داد طبقه اثر معناداری بر کیفیت زندگی زناشویی نداشته یا اثر آن اندک است. در این راستا لزوم ارتقای درآمد افراد در خانواده و خروج از درآمدهای پایین در افراد و سیاست‌گذاری‌های منطبق با آن، لزوم کسب درآمد برای زنان و کاهش تفاوت درآمد در مردان و زنان برای دستیابی به تعادل میان زوجین، لزوم ترکیب تحصیلات با درآمد به ویژه برای مردان که موجب ارتقای پایگاه اقتصادی اجتماعی در ایشان گردد، پیشنهاد می‌شود. از آنجا که بعد مثبت زندگی زناشویی بیشتر جنبه ذهنی داشت می‌توان این رابطه را به توانایی بالاتر افراد با طبقات اقتصادی اجتماعی بالاتر نسبت داد.

همچنین یافته‌های این تحقیق نشان داد که بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی در افراد شاغل بیشتر از افراد غیر شاغل بوده و در زنان بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی نیز در افراد شاغل بیش از افراد غیر شاغل است؛ بنابراین اشتغال با کیفیت زندگی زناشویی زنان رابطه مثبت و بر کیفیت زندگی زناشویی مردان رابطه منفی داشته است. یافته‌ها مطالعه هوشیار و همکاران (۲۰۱۵) را در کیفیت بالاتر زندگی زناشویی در زنان تأیید و متفاوت با مطالعه آلدورف و گیمایر (۲۰۱۳) است که نشان داد اشتغال رابطه معناداری با کیفیت زندگی زناشویی نداشته یا رابطه آن اندک است. اشتغال با کیفیت زندگی زناشویی زنان رابطه مثبت و با کیفیت زندگی زناشویی مردان رابطه منفی داشته است. آگاهی در سطح فردی و کلان از اثرات مثبت اشتغال زنان بر روابط زناشویی و لزوم اتخاذ سیاست‌های خانواده محور در راستای اشتغال زنان و کاهش تضاد کار با خانواده در مردان پیشنهاد می‌گردد؛ بنابراین عوامل اثرگذار بر بعد مثبت و منفی کیفیت زندگی زناشویی بر هم منطبق نبوده و تفاوت‌هایی در این خصوص وجود دارد.

مدل تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی بر کیفیت زندگی زناشویی تنها توانایی تبیین ۷ درصد از واریانس کیفیت زندگی زناشویی در بعد مثبت و ۲/۸ درصد از واریانس کیفیت زندگی زناشویی در بعد منفی را دارد. میزان پایین توانایی تبیین کیفیت زندگی زناشویی توسط عوامل اقتصادی اجتماعی ضرورت بررسی دیگر عوامل را مطرح می‌سازد. توان پایین متغیرهای اقتصادی اجتماعی در تبیین کیفیت زندگی زناشویی در مطالعه آلدورف و گیمایر (۲۰۱۳) نیز نشان داده شده بود. در تحلیل چند متغیره جنسیت، تحصیلات، درآمد و نسل عواملی هستند که در ورود همزمان متغیرهای اقتصادی اجتماعی در سطح معناداری در مدل باقی مانده‌اند.

کیفیت زندگی زناشویی زنان در بعد مثبت از مردان پایین‌تر است. همچنین افراد با تحصیلات بالاتر در بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی بالاتری دارند. از نسل اول به سوم بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی کاهش و بعد منفی آن افزایش می‌یابد. البته با استناد به این یافته نمی‌توان گفت که کیفیت زندگی زناشویی به لحاظ نسلی کاهش پیدا کرده چراکه ممکن است حضور زوجین در کنار یکدیگر و گذران زمان موجب افزایش بعد مثبت و کاهش بعد منفی کیفیت زندگی زناشویی شده باشد و در این خصوص نیاز به مطالعات گسترده‌تر طولی وجود دارد.

در تفکیک جنسیتی عوامل اجتماعی اقتصادی اثرگذار، درصد تبیین واریانس متغیر وابسته کیفیت زندگی زناشویی در زنان و مردان تفاوت چشمگیری ندارد. در مردان میزان درآمد تأثیر معناداری بر کیفیت زندگی زناشویی ایشان دارد. به طوری که بالاترین کیفیت زندگی زناشویی در مردان با درآمد متوسط مشاهده می‌شود. چنانکه پیش از این دیدیم مردان با درآمد پایین و بالا کیفیت زندگی زناشویی را پایین‌تر از مردان با درآمد متوسط بیان کرده‌اند. در زنان نسل و تحصیلات عوامل اثرگذارتری هستند. به طوری که زنان با تحصیلات بالاتر از کیفیت زندگی زناشویی بالاتری برخوردارند و کاهش کیفیت زندگی زناشویی از نسل اول به سوم وجود دارد. کاهش نسلی کیفیت زندگی زناشویی در مطالعه راجرز و آماتو (۱۹۹۷) نیز گزارش شده بود. در تحلیل چند متغیره نسل از جمله عواملی است که در ورود همزمان متغیرهای اقتصادی اجتماعی در سطح معناداری در مدل باقی مانده است. از نسل اول به سوم بعد مثبت کیفیت زندگی زناشویی کاهش و بعد منفی آن افزایش می‌یابد. در تفکیک جنسیتی در زنان نسل از اثرگذاری بیشتری برخوردار است و کاهش کیفیت زندگی زناشویی از نسل اول به سوم وجود دارد. بر این اساس شناسایی و اتخاذ سیاست‌های خانواده محور منطبق با خواست نسل‌های جوان‌تر پیشنهاد می‌شود.

کیفیت زندگی زناشویی که در این مقاله به آن پرداخته شد از جمله مفاهیمی است که در جامعه ما مغفول مانده است. شاید بتوان گفت در مطالعات داخلی به قدر کفایت بر ازدواج و طلاق تمرکز شده است اما اطلاعات ما از روابط میان زوجین بسیار اندک است. در این راستا انجام تحقیقات کیفی در شناسایی شاخص‌های کیفیت زندگی زناشویی در جامعه در حال‌گذار ایران پیشنهاد می‌شود. پیشینه مطالعات نشان می‌دهد عوامل اثرگذار بر کیفیت زندگی زناشویی به چند دسته قابل تقسیم است و در این تحقیق تنها به ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی (جنسیت، تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی اجتماعی، نسل، اشتغال) پرداختیم. بر این اساس مطالعه دیگر عوامل ساختاری، ارتباطی و فردی توصیه می‌شود. همچنین بررسی نسلی و جنسیتی کیفیت زندگی زناشویی، عوامل اثرگذار و پیامدهای آن پیشنهاد می‌شود. لازم به ذکر است که در بررسی روابط میان زوجین، بهترین یافته‌ها در صورتی کسب خواهند شد که زن و شوهر هر دو در پیمایش شرکت داشته باشند و تحلیل زوجی انجام شود که در این تحقیق به دلیل محدودیت‌هایی مانند ساعات کار فراوان در مردان و نیاز به چند مراجعه به درب منازل قادر به انجام آن نبودیم.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|------------------------|--|
| 1. Zhang et al. | 31. Bulanda & Brown |
| 2. Allendorf & Ghimire | 32. Revised Dyadic Adjustment Scale (RDAS) |
| 3. Rogers & Amato | 33. Ayles |
| 4. Amato et al | 34. Postmodern Family Values |
| 5. Marital quality | 35. Burr |
| 6. Glenn | 36. Lewis & Spanier |
| 7. Ross et al. | 37. Rollins & Galligan |
| 8. Umberson & Williams | 38. Miller |
| 9. Wickrama et al. | 39. Exchange theory |
| 10. Cowan & Cowan | 40. Symbolic Interaction Theory |

- | | |
|------------------------------|---|
| 11. Beach et al. | 41. Balance theory |
| 12. Lee & Ono | 42. Power Resources Theory |
| 13. Chitwan Valley | 43. New Home Economics Power |
| 14. Nepal | 44. Design Effect |
| 15. Cast | 45. Probability proportional to size(PPS) |
| 16. Beijing | 46. Face Validity |
| 17. CMQS | 47. Construct Validity |
| 18. Marital happiness | 48. Larson & Holman |
| 19. Marital interaction | 49. White |
| 20. Marital disagreement | 50. Hanson |
| 21. Marital problem | 51. Young Adults |
| 22. Marital instability | 52. Adults |
| 23. Schramm & Harris | 53. Senior |
| 24. yota | 54. Mean Differences Test |
| 25. Hardie & Lucas | 55. Probability Value |
| 26. Cohabitation | 56. One way ANOVA |
| 27. Sayer | 57. Stepwise |
| 28. Clark & Gray | 58. R Square |
| 29. Heckert, Nowak, Snyder | 59. Adjusted R Square |
| 30. Hoelter, Axinn & Ghimire | |

منابع

- آزادارمکی، ت. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*. تهران: سمت.
- آزادارمکی، ت.، و شریفی ساعی، م. ح. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۸)، ۴۶۲-۴۳۵.
- غلامیان، ف.، احمدی، س. ا.، و باغبان، ا. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی زناشویی. *فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی*، ۱۳(۴۹)، ۷۳-۵۹.
- مدیری، ف. (۱۳۹۴). بررسی سبک زندگی متأهلین و تعیین‌کننده‌های آن. تهران: موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- مدیری، ف.، و مهدوی، م. ص. (۱۳۹۴). ارزش‌های پست‌مدرن خانوادگی در شهر تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۱(۴۳)، ۲۹۸-۲۸۱.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.
- یوسفی، ن. (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، فرم تجدیدنظر شده (RDA). *پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، ۱(۲)، ۱۸۳-۲۰۰.

- Allendorf, K., & Ghimire, D. (2013) Determinants of Marital quality in an Arranged Marriage Society. *Social Science Research*, 42(1) 59-70.
- Amato, P. R., Johnson, D. R., Booth, H. A., & Rogers, S. (2003). Continuity and Change in Marital Quality Between 1980 and 2000. *Journal of Marriage and Family*, 65(1), 1-22.
- Ayles, C. (2004). *Biographical determinates of marital quality*. www. Oneplusone. Org. UK: Berninger.
- Azadarmaki, T. (2007). [Iranian Family Sociology]. tehran: samt. [in Persian].
- Azadarmaki, T., & Sharifi Saei, M. H. (2012). [Sociological Explanation of Anomic Sexual Relationships in Iran]. *journal of family research*, 7(4), 435-462. [in Persian].

- Beach, S. R. H., Whisman, M. A., & O'Leary, K. D. (1994). Marital Therapy for Depression: Theoretical Foundation, Current Status, and Future Directions. *Behavior Therapy*, 25(3), 345-371.
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., Beach, S. R. H. (2000). Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review. *Journal of Marriage and the Family*, 62(4), 964-980.
- Burr, W. R., G. K. Leigh, R. D. Day, & Constantine, J. (1979). Symbolic Interaction and the Family. In W. R. Burr, R. Hill, F. I. Nye, & I. L. Reiss (Eds.), *Contemporary Theories about the Family* (Vol. 2). New York: The Free Press.
- Burr, W. (1973). *Theory Construction and the Sociology of the Family*. New York: John Wiley and Sons.
- Clark-Nicolas, P., & Gray-Little, B. (1991). Effect of Economic Resources on Marital Quality in Black Married Couples. *Journal of Marriage and the Family*, 53(3), 645-655.
- Cowan, C. P., & Cowan, P. A. (2005). Two Central Roles for Couple Relationships: Breaking Negative Intergenerational Patterns and Enhancing Children's Adaptation. *Sexual and Relationship Therapy*, 20(3), 1468-1479.
- Fincham, F., Linfield, K. (1997). A new look at marital quality: Can spouses feel positive and negative about their marriage?. *Journal of Family Psychology*, 11(4), 489-502.
- Gholamyan, F., Ahmadi, C. I., & Baghban, I. (2008). [Marital Quality], *Psychotherapeutic Novelties*, 13(49), 59 - 73. [in Persian].
- Hanson, L. K., & Essenburg, T. J. (2014). *The New Faces of American Poverty*, A Reference Guide to the Great Recession, ABC-CLIO (January 15, 2014).
- Hardie, J. H., & Lucas, A. (2010). Economic Factors and Relationship Quality among Young Couples: A Comparison of Cohabitation and Marriage. *Journal of Marriage and Family*, 72 (5), 1141-1154.
- Heckert, D. A., Thomas C. N., & Kay A. S. (1998). The Impact of Husbands' and Wives' Relative Earnings on Marital Disruption. *Journal of Marriage and the Family*, 60(3), 690-703.
- Hoelter, L. F., Axinn, W. G., & Ghimire, D. J. (2004). Social Change, Premarital Nonfamily Experiences, and Marital Dynamics. *Journal of Marriage and Family*, 66(5), 1131-1151.
- Hoshyar, P., Nazary, A. M., Zaharakar, K., & Poormalek, M. M. (2015). Comparison of Marital Quality of Life among Housewives and Employed Women of Tehran City. *International Journal of Psychology and Behavioral Research*, 4(1), 53-57.
- Johnson, D. R., White, L. K., Edwards, J. N., & Booth, A. (1986). Dimensions of Marital Quality: Toward Methodological and Conceptual Refinement. *Journal of Family Issues*, 7(1), 31- 50.
- Larson J. H., & Holman T. B. (1994). Premarital Predictors of Marital Quality and Stability. *Fam Relations*, 43(2), 228-237.
- Miller, B. C., & Nock, S. L. (1979). The family life cycle: Empirical or conceptual tool. *Journal of Marriage and the Family*, 41(1), 15-26.
- Modiri, F. (2015). [Married Lifestyle and its determinants]. Tehran: National population Studies & Comprehensive Management Institute. [in Persian].
- Modiri, F., & Mahdavi, M. S. (2015). [Postmodern Family Values in Tehran]. *journal of family research*, 11(43), 281-298. [in Persian].
- Rogers, S. J. (1999). Wives' Income and Marital Quality: Are There Reciprocal Effects?. *Journal of Marriage and Family*, 61(1), 123-132.
- Rogers, S. J., Amato, P. R. (1997). Is Marital Quality Declining? The Evidence from two Generations. *Social Forces*, 75(3), 1089-1100.

- Rollins, B. C., & Galligan, R. (1978). The Developing Child and Marital Satisfaction of Parents. In R. M. Lerner & G. B. Spanier (Eds.) *Child Influences on Marital and Family Interaction*. New York: Academic Press, 71-105.
- Ross, C. E., Mirowsky, J., & Goldsteen, K. (1990). The Impact of the Family on Health: The Decade in Review. *Journal of Marriage and the Family*, 52(4), 1059-1078.
- Sayer, L. C. (2006). *Economic Resources, Marital Bargains, and Marital Quality*. The Ohio State University, Paper presented at the Annual Meeting of the Population Association of America, 31-April, 2006.
- Schramm, D. G., & Harris, W. V. (2011). Marital Quality and Income: An Examination of the Influence of Government Assistance. *J Fam Econ Iss*, 32(3), 437-448.
- Spanier, G.B., Lewis, R. A. (1980). Marital quality: A review of the seventies. *Journal of Marriage and the Family*, 42(4), 825-839.
- Statistics Center of Iran. (2011). *Results of Population and Housing Census*, 2011. [in Persian].
- Umberson, D., & Williams, K. (2005). Marital Quality, Health, and Aging: Gender Equity?. *Journals of Gerontology Series B-Psychological Sciences and Social Sciences*, 60(B), 109-112.
- Wickrama, K. A. S., Lorenz, F. O., Conger, R. D., & Elder, G.H. (1997). Marital Quality and Physical Illness: Alaten Growth Curve Analysis. *Journal of Marriage and the Family*, 59(1), 143-155.
- White, L. K. (1983). Determinants of Spousal Interaction: Marital Structure or Marital Happiness. *Marriage and Family*, 45(1), 511-519.
- Yosefi, N., (2011). [Evaluation of Psychometric Indices of Marital Quality Scale, Revised Form (RDS)], *Clinical psychology and counseling researches*, 1(2), 183-200. [in Persian].
- Zhang, H., Xu, X., Tsang, S. K. M. (2013). Conceptualizing and Validating Marital Quality in Beijing: A Pilot Study. *Soc Indic Res*, 113(1), 197-212.

Archive of SID